



INSTITUTO
MARIA E JOÃO
ALEIXO

نامه ای از ماره، ریودوژانیرو

بیانیه ای از حاشیه نشینی

در مارس 2017، موسسه ماری و ژوان آلیشو (IMJA) نخستین سمینار بین المللی خود را در زمینه حاشیه نشینی در سطح جهانی، در ماره، ریودوژانیرو برگزار کرد. هدف اصلی این رویداد ایجاد یک دیدگاه منسجم (همراه با مشارکت بیشتر) بین سازمان ها، جنبش ها، گروه ها و افرادی که در اقدامات عملی در حاشیه نشین های نقاط مختلف در سراسر جهان معاصر شرکت می کنند.

این تلاش ساخت یک چیز بی اهمیت نیست. در حقیقت، همانگونه که به طور گسترده ای شناخته شده است، ما در یک دنیای اجتماعی که تحت تأثیر حضور حاشیه نشینی (و ساکنان آنها) زندگی می کنیم که بر اساس ننگ و کلیشه های موجود، مانع از درک جهانی و پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی شده است.

تصورات و تخیلات پایه و اساسی برای بنیان واقعیات است. کلیشه هایی موجود در مورد حاشیه نشینی که اکثریت انسانهای فقیر در آن ساکن هستند، اغلب بر سیاست های عمومی و سرمایه گذاری های اجتماعی و خصوصی تأثیر می گذارد. علاوه بر این که واقعیت خواسته های ساکنان را برآورده نمی کند، آنها به تقویت فرآیندهای تخصیص مواد و نمادین، تضعیف استراتژی های جمعی ساخته شده توسط گروه ها از حاشیه ها برای اعمال حق خود به شهر کمک می کنند.

بدنام سازی در کشور های فرادست (هژمونیک) و کشور های فرودست (غیر هژمونیک) در حوزه های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی فعلی ظهور می یابد. پیش فرض ها اغلب اجتماعی محور است و بررسی حاشیه ها اغلب بر اساس مدل های مربوط به نظریه های شهری و فرضیه های فرهنگی/زیبایی شناختی است که توسط گروه های اجتماعی هژمونیک و طبقات حاکم تعیین می شود. این گروه ها هر آنچه را که سالم، دلپذیر و مناسب برای عملکرد شهر است و بر اساس مدل «تمدن» جاری را بنا می گذارند. آنها همچنین یک مفهوم خاص نظم را تعریف می کنند و چه نوع رفتار و عمل اجتماعی را مناسب می دانند.

علاوه بر آن، ارتقاء ایده ی عدم حضور، فقدان و همگنی وجود دارد. این عوامل در ادراکات کاهنده و طبقه بندی سلسله مراتبی مناطق در ارتباط با دیگر فضا های شهر فعالیت می کنند. حاشیه ها از این لحاظ قابل توجه هستند که با یک مدل ایده آل شهری و بر اساس مدل های فرهنگی و آموزشی (که در اکثر موارد، توسط مردم ثروتمندتر شهر استعمار میشود) قابل قیاس نیستند. از این منظر، حاشیه ها به عنوان فضا های ناامن شناخته می شوند و تاریخ افراد در حومه ها، انکار می شود و مناطقی که در آن زندگی می کنند به عنوان محل سکونت به رسمیت شناخته نمی شود. در اغلب موارد با آنها به شیوه های عجیب و غریب (به عنوان "غیر تمدن") رفتار میشود.

حاشیه نشینی ارتباط تنگاتنگی با نهاد های اجتماعی، به ویژه بازار های دولتی و رسمی دارد. در این رابطه، افراد اغلب درگیر مشاغل هستند که از مدل های تعریف شده هژمونیک توسط دولت یا بازار پیروی نمی کنند، و چنانچه این کار توسط موسسات مذکور ایجاد شوند، به عنوان نمونه هایی از جنبش کمونیستی و بی ثباتی به تصویر کشیده می شوند. چنین دیدگاهی فارغ از موضوعات هویت آنهاست و نوآوری های متعدد عملی و دانش را که درون حاشیه ها ساخته شده، نادیده میگیرد.

حامیان این نامه، رویکرد کلیشه ای و عدم شایستگی را در خصوص حاشیه نشینی، مورد قبول نمیدانند. حاشیه ها دارای تعداد فراوانی از اشکال و پدیده های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که چالش برانگیز هستند. بنابراین نیازمند چارچوب گسترده ای برای درک و کمک به راهنمایی های اختصاصی می باشد. در حالی که تصدیق می شود که حاشیه ها در سراسر جهان در شرایط و فرم های عملکرد ناهمگن هستند، ولی تعدادی از ویژگی های مشترک در میان آنها وجود دارد. ما تأکید می کنیم که هر حاشیه بخشی جدایی ناپذیر از شهر و ترکیب ساختار شهری است و بنابراین در آن یکپارچه شده است. حاشیه نشینی مرکزی برای شهر است که بدان هویت و معنا می بخشد.



INSTITUTO
MARIA E JOÃO
ALEIXO

نامه ای از ماره، ریودوژانیرو

بیانیه ای از حاشیه نشینی

حاشیه نشینی را نباید با توجه به ارتباط دینامیک اجتماعی-منطقه ای و یا فاصله فیزیکی آن از مرکز هژمونیک، بصورت منفی تعریف کرد. حاشیه ها باید برای عرفهای روزمره خود که ساختار اجتماعی آن را ایجاد می کنند، از جمله پتانسیل آنها برای اختراع، شکل های متمایز ساختمانها و مقاصد ارتباطی هژمونیک خاص در هر حاشیه، به رسمیت شناخته شود.

بسیار ضروری است که با عرفهای تعیین شده توسط ساکنین به رسمیت شناخته شود. همچنین شرایط عینی زندگی اجتماعی آنها مطابق با تعاریف مسکن مناسب آنها و در جهت حصول اطمینان از رفاه باشد.

بنابراین حامیان این نامه حاشیه نشینی را بعنوان بخشی از شهر به رسمیت شناخته که ساکنان آن با تمامی یا قسمتهایی از چالش های زیر که در آن قرار دارند، محدوده هایی را تشکیل می دهند:

- مشارکت کارگران در شغل های زیر دستی و غیر رسمی؛

- نرخ بالای عدم اشتغال یا مشاغل غیررسمی در مقایسه با افراد شاغل؛ به ویژه در مورد جوانان؛

- تمرکز شرایط ظلم و استثمار برای اکثر گروه ها- سیاه پوستان و سرخپوستان بومی، مهاجران، کولی ها، پناهندگان، اقلیت های مذهبی و قومی و دیگر گروه های مورد تبعیض- که کمابیش به دنبال حفظ فرهنگ و هویت خود هستند؛

- نرخ بالای خشونت در فضاهای عمومی- بخشی بخاطر جنگ علیه مواد مخدر - و مابین نیروهای امنیتی دولتی و گروه های جنایتکار؛

- وجود روابط جنسیتی نابرابر که به میزان بالای خشونت علیه زنان و دختران در زندگی روزمره آنها منجر می شود؛

- نرخ بالای خشونت و موارد نقض حقوق علیه دگرباشها - به خصوص گروه های ترانجس- که منجر به افزایش میزان قتل در این گروه میشود؛

- شیوع بالای مرگ و میر ناشی از خشونت علیه جوانان بدلیل برچسبهای قومی و نژادی؛

- سطح آموزش پایینتر از حد متوسط باقی شهر؛

- وجود مناطقی که توسط فرآیندهای تخریب محیط زیست و سلب مالکیت به علت اقدامات سازمان خصوصی و عمومی؛

ما همچنین تأیید می کنیم که حاشیه ها بخاطر پتانسیلهای بالقوه متعددی بشرح زیر مشخص می شوند:

- حضور جمعیت جوان که منبع نوآوری است و طیف وسیعی از خواسته ها و فعالیت های عمومی را برای تضمین حقوق فراهم می آورد؛

- روابط همسایگی و خویشاوندی مستحکم که توسط معاشرت پذیری، روابط متقابل و همبستگی مشخص می شود و بدلیل فضاهای مشترک به عنوان سایت های همزیستی اجتماعی و فرهنگی تجید میشود؛

- فراوانی انواع مختلف اشکال فرهنگی، هنری و اجرایی، روشها و حالت هایی که روایت های شهری را اختراع می کنند، تجدید و تحقق می بخشند؛



INSTITUTO
MARIA E JOÃO
ALEIXO

نامه ای از ماره، ریودوژانیرو

بیانیه ای از حاشیه نشینی

- حضور قوی همبستگی و ابتکارات اقتصادی محلی و متداول؛
- حضور مستحکم فرم های جایگزین خدمات و تجهیزات شهری، آموزشی، اقتصادی، املاک و مستغلات و تجهیزات، در پاسخ به عدم حضور، عدم وجود و/یا ناکافی بودن سرمایه گذاریهای دولتی و خصوصی در این زمینه؛
- سطح بالای خودگردانی ساکنان محلی در فضای عمومی، منعکس کننده تجربیات و اعمال خودمختاری است؛
- راه حل های خلاق شهری از نظر مسکن، ارائه خدمات و زیرساخت های عمومی، که باید به عنوان مرجع برای کل شهر در نظر گرفته شود؛
- خانه ای برای هویتها و عرفهای فرهنگی متفاوت با توجه به تجارب همزیستی بین ملیت ها، قومیت ها و ادیان مختلف - صرف نظر از وجود امکان درگیری و شرایط عدم تحمل؛
- مکانهایی برای خلق و تولید دانش، که پیچیدگی آن باید به طور گسترده توسط جامعه شناخته و ارزشگذاری شود؛
- وجود مدل های مشارکتی جمعی، جنبش ها و سازمان های اجتماعی که در حال مبارزه برای حقوق خود و گسترش طیف وسیعی از خواسته ها و اقدامات در جهت بهبود دموکراتیزه شدن شهر هستند.
- برای درک تنوع موجود در شهر شهر، شناسایی ویژگی های هر منطقه و تأیید شهروندی و احترام گذاردن به همه ساکنان ضروری است. انجام این کار مستلزم شناختن افراد حاشیه نشین به عنوان شخصیت های اصلی است که قادر به سخن گفتن برای خود و شیوه های اجتماعی و فرهنگی خود (نمادهای مقاومت و تجدید نظر و مبارزه برای حقوق خود هستند) که باید در سیاست های عمومی تضمین شود. این امر برای شناسایی کامل زندگی اجتماعی دموکراتیک و برای شناخت استفاده قانونی از تمامی امکانات که توسط همه افراد ساخته شده، ضروری است. تضمین این اصل نیازمند و مستلزم ساختن یک تجربه دموکراتیک رادیکال از حقوق شهری است.

محمد مباشر امینی